

درصد و متقابلاً سهم صادرات به آسیا (غیر از ژاپن) از حدود ۲۷ به ۳۵ درصد رسید که نهایتاً در سال ۲۰۰۶، سهم دو بازار از نفت صادراتی ایران روی ۳۸,۵ درصد، برابر گشت (بانک مرکزی، ۱۳۸۵). علی‌رغم همه محدودیت‌ها، در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ م. (۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ ش.)، تولید و صادرات نفت ایران به بالاترین میزان خود در سال‌های پس از انقلاب یعنی ۴,۵ میلیون بشکه تولید و ۲,۷ میلیون بشکه صادرات رسید و درآمدهای ارزی هم تقریباً دو برابر قبل؛ یعنی به ارقام ۵۵ و ۶۵ میلیارد دلار بالغ گردید (اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی، ۱۳۸۰-۱۳۹۸).

۴-۳. اجماع جهانی و تکمیل حلقه‌های تحریم (دسامبر ۲۰۰۶ تا جولای ۲۰۱۵)

افزایش تولید و روند روزافزون صادرات نفت ایران به کشورهای آسیایی؛ از جمله چین و هند (Eneken, 2012)، همراه با اوج‌گیری قیمت نفت و بالا رفتن چشمگیر درآمدهای حاصل از آن، ایالات متحده را مصمم کرد که تنها راه مؤثرسازی تحریم‌ها و منع دستیابی ایران به این منابع ارزی، مشارکت همه جانبه جامعه بین‌المللی در این اقدام است؛ مشارکتی که نیاز به یک دلیل قانع‌کننده داشت و آشکار شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران در ۱۴ آگوست ۲۰۰۲، استدلال لازم را برای آن فراهم ساخت. طی چهار سال مذاکرات هسته‌ای ایران با «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»^۱ و قدرت‌های بزرگ، آمریکا تلاش کرد تا با بزرگ‌نمایی فعالیت‌های هسته‌ای ایران و نشان دادن آن در حد تهدید بین‌المللی، موضوع را به شورای امنیت سازمان ملل متحد بکشانند. ارجاع پرونده به شورای امنیت در ۸ مارس ۲۰۰۶، همراه ساختن جامعه بین‌المللی و قبولاندن ضرورت مقابله با این کشور (ایران) از طرق مختلف؛ از جمله قطع منابع مالی و ارزی، موفقیتی بود که طی قطعنامه‌های متوالی شورا گام به گام تبیین و اجرا شدند؛ مصوباتی که در کنار تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده نقشی تکمیلی و حمایت‌گونه داشتند.

بعد از بیانیه رئیس و قطعنامه هشدارآمیز «۱۶۹۶» شورای امنیت (جولای ۲۰۰۶)، در فاصله حدود یک سال و نیم، یعنی تا مارس ۲۰۰۸، محدودیت‌های

1. International Atomic Energy Agency (IAEA).